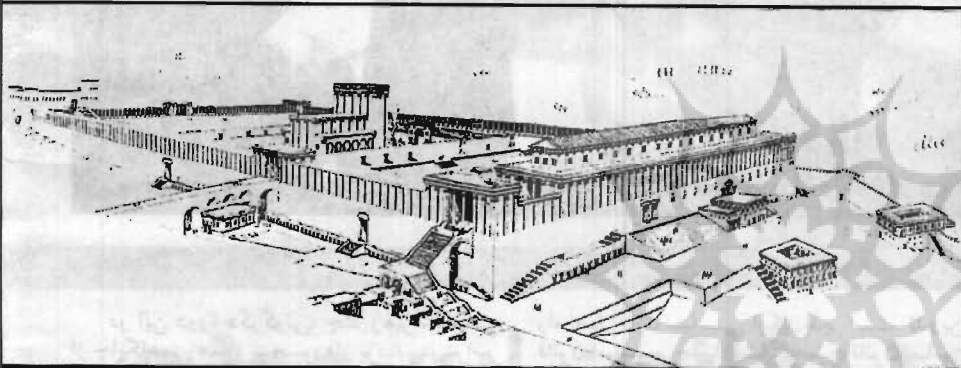


اورشلیم: منبع خشم و هیاهو

در محوطه کوچکی از شهر قدیمی اورشلیم، ۴۰۰۰ سال تاریخ، غنای دینی، اسطوره‌ای و نمادینی ایجاد کرده است که در هیچ جای دنیا نظیر ندارد.

رنه لوفور

مدیر پیام یونسکو



بازسازی دومین معبد هرودی به وسیله باستان شناس، لین ریتمایر ۱۹۹۷

اشغالگران و فلسطینی‌ها دست کم بر سر یک مسئله توافق دارند: تازه‌ترین دور مذاکرات آنها در کمپ دیوید بر سر وضعیت آینده بیت المقدس (اورشلیم) و مخصوصاً یک منطقه کوچک پانزده هکتاری به بن بست رسیده است، منطقه‌ای که از نظر پیروان چند دین مختلف از هر جای دیگر دنیا، مقدس تر، محترم تر و بلند مرتبه تر است.

اصل مشکل - منطقه‌ای است تقریباً مستطیل شکل با ابعادی کمتر از ۵۰۰ متر در ۳۰۰ متر که در انتهای شمالی خود از سنگ تراشیده شده و در کناره‌های غربی و شرقی که زمین شیب پیدا می‌کند، برآمده است - در مورد یک پنجم شهر قدیم اورشلیم است و گوشه جنوب شرقی آن را تشکیل می‌دهد. کوه هیکل در نظر یهودیان و حرم الشریف در نظر مسلمانان صفا‌ی است که گویی در هوا معلق مانده است: دیوارهای آن که گاه چهل متر ارتفاع دارند بر فراز تمامی شهر قدیم و مناطق دورتر خودنمایی می‌کنند.

گردشگران، زائران یا پرستندگان با دیوارهای غول آسا و بلوک‌های سنگی تراشیده‌ای روبه‌رو می‌شوند که بیش از ده متر طول دارند. آنها به دستور هرود کبیر ساخته شدند. او که نزد رومیان به عنوان پادشاه یهودیان شناخته می‌شد، بازسازی قسمت فوقانی این معبد یهودی را نوزده سال قبل از میلاد آغاز کرد و حدود نه سال بعد از میلاد بخش اعظم بازسازی را به پایان رساند.

توصیفات دقیق به جا مانده، از بزرگی و شکوه این معبد حکایت می‌کند: پنجاه متر طول، عرض و ارتفاع معبد واقع در صحنی که دورتادور آن صدها ستون مرمر سفید قرار داشت و بلندای برخی از ستون‌ها به سی متر می‌رسید. دروازه‌هایی عظیم و راه‌پله‌هایی که به خود میدان ختم می‌شدند. اما پس از آتشی که لژیون‌های تیتوس امپراتور روم ۷۰ سال پس از میلاد برافروختند، به جز عقاید دینی، اسطوره‌ها و حتی ایدئولوژی‌ای که همگی نیرومندتر و قدرتمندتر از قبل شده بودند، چه چیز دیگری باقی ماند؟ هیچ ردی از این معبد یافت نشده است. از عمارت هرود، تنها چند



مسجد القصی

منظره هوایی کوه حرم الشریف از جنوب غربی

متر ارتفاع - اما منابع ادبی ستایشگر تزیینات داخلی آن هستند که از طلا، نقره، برنز و سدر لبنانی ساخته شده بود.

عهد ازل و قوانین لازم الاجرا

علاوه بر هر چیز دیگر و در مرکز معبد، صندوق مقدس که یهودیان عهد باستان دو لوحه ده فرمان را در آن نگه می داشتند (The Ark of the covenant) قرار داشت. این صندوق درون قدس الاقداس جای داشت و یگانه راه ورود به آن دری بود که از قرن ششم قبل از میلاد فقط خاخام اعظم حق عبور از آن را داشت. اینجا جایگاه لوح ازل بود.

صندوق مقدس، دو بلوک سنگی - الواح شریعت - را در بر می گرفت که موسی در طور سینا از خداوند دریافت نمود. این الواح مهر تأییدی بودند بر عهد میان یک «قوم گزیده» و یگانه خدای بنی اسرائیل که آنها بعداً او را تنها خدای کل بشریت خواندند. یگانه پرستی آغاز شده بود.

این عهد یک قرارداد بود. خدا به مؤمنان دستور داد: «نباید هیچ خدای دیگری جز من داشته باشید» و «نباید تصاویر منقوش بیافرینید» و قوانین اخلاقی و آیین نمازگزاری را بنیان نهاد. اگر مؤمنان قانون خداوند را رعایت می کردند، نه تنها به «ملتی بزرگ» بدل می شدند و در رفاه و شادی به سر می بردند، بلکه خداوند، زمینی متعلق به خودشان را به آنان عطا می کرد.

از آنجا که این عهد، عهدی ازل بود، آنان تا ابد مالک زمین مذکور می بودند. اگر واجبات آسمانی خود را به جای می آوردند می توانستند در آنجا زندگی کنند. در غیر این صورت، خدایی که زمین را عطا کرده بود می توانست آن را باز پس گیرد و قومش را در فلاکت و آوارگی رها سازد. اما وعده یک بازگشت مشروط هم داده شد: اگر به سوی من باز گردید و فرمانهای مرا اطاعت کنید و آنها را انجام دهید، حتی اگر کسانی از شما به دورترین گوشه آسمانها رانده شده باشند، آنها را گرد هم خواهم آورد و به مکانی می آورم که به نامم برپاشده است.»

آوارگانی هم وجود داشتند. بنی اسرائیل حکومت شمالی سامره: هفت قرن قبل از میلاد به آشور تبعید شدند. یهودیان اهل -یهودیا (Judea)، پس از تخریب نخستین معبد به دست بُحْت نصر در ۵۸۷ قبل از میلاد، به بابل تبعید شدند، و پس از تخریب دومین معبد به دست رومیان در ۷۰ بعد از میلاد، در حدود ۲۰۰۰ سال آواره بودند. در تمام این دوران، یهودیان دیندار سه بار در روز و ۳۶۵ روز در سال از خداوند استدعا می کردند که معبد هیکل و در نتیجه عهد میان خدا، آنان و سرزمینشان و مهم تر از همه کوه هیکل را دوباره برقرار سازد.

«اگر تو را از یاد ببرم، ای اورشلیم، بگذار

هستند.» و بنگر که من در نظر دارم به نام پروردگار خدایم، عمارتی بنا نهم، همان گونه که پروردگار با پدرم داوود سخن گفت: پسرت، که من او را بر جای تو به تخت می نشانم، عمارتی به نام من خواهد ساخت» سخنان فوق از آن سلیمان، پسر داوود پادشاه است که دوازده قبیله بنی اسرائیل را در یک حکومت متحد ساخت و اورشلیم را پایتخت خود قرار داد. سلیمان تپه ای موسوم به کوه موری را خرید و بیش از ۳۰۰۰ سال پیش بر فراز همین تپه نخستین معبد یهودیان را بین سال های ۹۶۰ و ۹۵۳ قبل از میلاد بنا کرد. ابعاد این معبد احتمالاً چندان چشمگیر نبوده است - در حدود سی متر طول، ده متر عرض و پانزده

دروازه عظیم و بخش اعظم دیوارها بر جای مانده است.

یک بخش از دیوارهای سمت غربی را مسیحیان قرون وسطا دیوار ندبه می نامیدند. یهودیان صرفاً آن را دیوار غربی (کتل، the Kotel) می نامند که محل نماز گزاردن و گریستن آنهاست. قرن هاست که آنان دیوار غربی را مقدس ترین مکان دین یهود به حساب آورده اند. به گفته برخی افراد، این دیوار بر شالوده های دیوار پیرامون نخستین معبد یهودی ساخته شد، اما باستان شناسان عقیده دارند که تنها بقایای این دیوار نخستین، عملاً بخشی از دیوار شرقی فعلی



کتل که به دیوار غربی یا دیوار ندبه هم مشهور است.

دست راستم مهارتش را از یاد برد! اگر تو را در یاد نداشته باشم، بگذار زبانم به سقف دهانم بجسبد» (مزمور ۱۳۷). این کلمات در مراسم ازدواج یهودیان قرائت می‌شود.

نخستین معبد دقیقاً کجا بود؟ مورخان و باستان‌شناسان متفق‌القول‌اند که این معبد بر کوه موریاه واقع بود. قربانگاه یهودیان هم احتمالاً بر همان بلندی‌ای بود که با قواعد آن روزگار درباره انتخاب محل زیارتگاه و برپایی آن همخوانی دارد. در این کوه صخره‌ای وجود دارد که به گفته تورات - پنج کتاب نخست کتاب مقدس - همان صخره‌ای بود که ابراهیم هزار سال قبل از نگارش تورات، بر فراز آن ثابت کرد خدا را چنان می‌پرستد که حاضر است پسر خویش اسحاق را هم قربانی کند. به این ترتیب عهد نخست جاری شد.

ابراهیم - یا ابراهیم در قرآن - معمولاً نیای مشترک یهودیان و اعراب به حساب می‌آید. بنا بر روایات اسلامی، بیش از دو هزار سال بعد، از همین صخره بود که محمد پیامبر[ص]، در یک سفر رازآلود شبانه با مبدأ مکه، به معراج رفت.

مؤمنان می‌توانند ردپای مفروض و مقدس پیامبر را مشاهده کنند. در ۶۳۸ میلادی، عمر خلیفه دوم اورشلیم را

آبراهام یا ابراهیم در قرآن

نیای مشترک یهودیان

و اعراب به حساب می‌آید.

فتح کرد. اعراب با صحنی روبه‌رو شدند که در آن موقع زمینی بایر و مخروبه‌ای بیش نبود و چندین قرن بود که برای مقاصد دینی مورد استفاده قرار نمی‌گرفت، انگار اعلام می‌کرد که این شهر هویت یهودی خود را از دست داده است. به شهادت منابع مکتوب، این صحن پس از تبدیل شدن به محل معبد رومیان، حتی به‌عنوان زیبانه‌دانی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

متون بعدی توصیف می‌کردند که عمر این صحن و آن صخره را پاک کرد. از آن هنگام به بعد، به دلیل یافتن بقایای بیشتر، گمانه‌زنی جای خود را به قطعیت داده است. کار بازسازی و آنچه امروز مرمت می‌خوانند به این منظور انجام گرفت که صحن مذکور به مرکزی دینی و اجتماعی برای جامعه نوپای مسلمانان تبدیل گردد. این بنا در خلال چندین قرن گسترش یافت.

حرم شکل امروزی خود را می‌یابد.

دیوارهای جنوبی و شرقی تا حدودی بازسازی شده و دو صفت امروزی این صحن پی‌ریزی شدند. احتمالاً در متوالیه جنوبی این دو صفت بود که نخستین مسجد - در واقع سرپناهی برای درامان ماندن مؤمنان از آفتاب - ساخته شد که همان مسجد الاقصی (در زبان عربی یعنی «دورترین مسجد») است. اندکی بعد در ملتقای قرون هفتم و هشتم، قبه الصخره بر روی صفت دوم بنا شد. از آن زمان به بعد، گنبد آن، بر فراز یک عمارت هشت گوش که بعدها سلیمان کبیر آن را با کاشی‌های رنگی آراست و

یونسکو و شهر قدیم اورشلیم

یهودیان سرگردان واقع در پاریس، «در بحران خاورمیانه، هر یک از طرفین مشروعیت خود را با حفاری زمین به کرسی می‌نشانند. لایه‌ها و چینه‌های نمادین و باستان‌شناختی از تقدم یک طرف بر طرف دیگر خبر می‌دهند.»

صهیونیست‌ها، به منظور بازسازی تاریخ اماکن مقدس خود، خواهان ادامه حفاری‌ها هستند. اصولاً آنها حق چنین کاری را ندارند زیرا براساس توصیه‌نامه ۱۹۵۶ دهلی نوی یونسکو، نیروی اشغالگر از انجام این قبیل فعالیت‌ها منع شده است. مقامات اسلامی نگران‌اند که حفاری‌های صهیونیست‌ها شالوده‌های این صحن را سست کند و باعث فرو ریختن مسجد شود. رژیم اشغالگر قدس این انتقادات را رد می‌کند و مدعی است که فعالیت‌های آنها بیشتر جنبه سیاسی دارند تا حفظ میراث. نماینده کنونی رژیم اشغالگر قدس در یونسکو می‌گوید که در جریان مذاکرات اخیر درباره این موضوع، «هر گونه اقدامی ... از سوی یک هیئت خارجی، مخصوصاً سازمانی بین‌المللی چون یونسکو، احساسات ناخوشایندی به بار می‌آورد و دخالتی نامطلوب به حساب خواهد آمد.»

تصمیم‌گیری‌های یونسکو در این خصوص، بر نظرات کارشناسان مبتنی است. هیئت اعزامی آتی به سرزمین‌های اشغالی، به سرپرستی پروفیسور آگ گرابار، منتظر چراغ سبز مقامات رژیم اشغالگر قدس است. ■

از ۱۹۶۷ همواره از یونسکو درخواست شده است (مخصوصاً از سوی کشورهای عرب) که «برای حفظ میراث فرهنگی شرق اورشلیم» که شهر قدیم و کوه هیکل یا حرم را شامل می‌شود، پا پیش بگذارد. در کنفرانس عمومی یونسکو در پاییز ۱۹۹۹، آنها این درخواست را تکرار کردند که «هیچ‌گونه اقدام و هیچ‌گونه عملیاتی که منجر به تغییر چهره دینی، فرهنگی، تاریخی و جمعیتی این شهر شود یا توازن کلی این مکان را بر هم زند، صورت نگیرد.»

این تقاضا عمدتاً مبتنی بر این واقعیت بود که سازمان ملل اورشلیم را «یک شهر اشغال شده» به حساب می‌آورد. آنانی که خواهان کمک یونسکو هستند به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حفاظت مالکیت فرهنگی در صورت وقوع درگیری مسلحانه و کنوانسیون ۱۹۷۲ در خصوص حفاظت میراث فرهنگی و طبیعی جهان استناد می‌کنند. اورشلیم از ۱۹۸۱ در فهرست میراث جهانی یونسکو و از ۱۹۸۲ در فهرست میراث جهانی در معرض خطر بوده است. کنوانسیون ۱۹۷۲، کشور مسئول یک جایگاه را ملزم می‌کند مانع تغییر یا تخریب آن گردد. کشورهای عرب عمدتاً نگران اقداماتی هستند که مقامات رژیم رژیم اشغالگر قدس در شهر قدیم انجام می‌دهند، مخصوصاً اقداماتی که شامل تغییرات جمعیتی و حفاری‌های باستان‌شناختی می‌شود. به نوشته ژاک تارنوو، از مرکز تحقیقات میان رشته‌ای یهودیان و

حوادث دوران ساز

- حدود سال ۲۰۰۰ پیش از میلاد: به گفته انجیل، ابراهیم به فرمان خداوند رهسپار ارض موعود می‌شود، سرزمینی که برای او برگزیده شده از بحرالْمیت تا مدیترانه امتداد دارد. در همین منبع انجیلی آمده است که ابراهیم حاضر شد پسر خویش اسحاق را بر فراز صخره‌ای در قلّه کوهی که بعدها به کوه هیکل یا حرم الشریف شهرت یافت، به درگاه خداوند قربانی کند.
- حدود سال ۱۲۰۰ پیش از میلاد: موسی الواح شریعت را در طور سینا از خداوند دریافت کرد.
- ۹۵۳ پیش از م: ساخت نخستین معبد در عهد سلیمان نبی به پایان رسید.
- ۵۸۷ پیش از م: تخریب نخستین معبد به دست بخت نصر.
- ۵۱۵ پیش از م: ساخت دومین معبد به پایان می‌رسد.
- از ۱۹ پیش از میلاد تا ۶۴ سال بعد از آن: بازسازی دومین معبد به فرمان شاه هرود کبیر. بزرگی محل کار در برخی این باور را ایجاد کرد که هرود سازنده سومین معبد بوده است.
- ۷۰ م: تخریب دومین معبد
- ۱۳۴-۱۳۲: نظریه‌ها حاکی از ساخت معبدی جدید است که احتمالاً چهارمین معبد بوده است.
- ۶۳۲: درگذشت محمد پیامبر [ص]. به عقیده مسلمانان، وی پس از پشت سر گذاشتن سفری شبانه و اسرارآمیز از مکه به صخره‌ای در فضای باز [بیت المقدس] رسید و از آنجا به آسمان عروج کرد.
- ۶۳۸: عمر خلیفه دوم اورشلیم را تصرف کرد و اولین مسجد را در آنجا بنا نهاد.
- ۹۲-۹۱: ساخت قبه الصخره
- ۱۱۸۷-۱۰۹۹: صلیبیون اورشلیم را تصرف کردند.
- از ۱۱۸۷ تا ابتدای قرن شانزدهم: سلسله ایوبیان و مخصوصاً ممالیک (از ۱۲۵۰ به بعد) ویژگی‌های کنونی این صحن و مخصوصاً مسجدالاقصی را ایجاد کردند.
- ۱۹۱۷: آغاز حکمفرمایی بریتانیا بر اورشلیم
- ۱۹۴۸: پس از نخستین جنگ اعراب و صهیونیست‌ها، غرب اورشلیم به خاک فلسطین اشغالی ملحق شد و شرق اورشلیم که محل شهر قدیمی است به قیمومیت اردن درآمد.
- ۱۹۶۷: رژیم اشغالگر قدس شرق اورشلیم را تصرف کرد.
- مطابق آیین یهود، سومین معبد پس از ظهور مسیح ساخته خواهد شد

بود. به گفته ژان - کریستوف آتیاس و استرین باسا، نویسندگان مقاله‌ای که اخیراً در مجله فرانسوی Notre Histoire چاپ شده است، «جایی میان آسمان و زمین، بیشتر نزدیک آسمان تا زمین، صهیون [تپه‌ای نزدیک کوه هیکل] این آوارگان را به خود می‌خواند و به زندگانی آنان معنا می‌بخشید.

از اواخر قرن نوزدهم، جنبش صهیونیست، که عمدتاً از یهودیان غیر مذهبی (Secular) تشکیل یافته بود، به گفته آتیاس و بن باسا، «اسطوره‌های باستان را به عصر حاضر ربط داد» و «قداست این سرزمین را به تملک خویش

آیا دو طرف می‌توانند این

لایه‌های سنگی و درهم تنیده

تاریخی را که در عواطفی چین

پر شور غرق شده است،

میان خود تقسیم کنند؟

در آورد. بدین ترتیب، اورشلیم مکانی عینی و همچنین آسمانی، سرزمین موعود و همچنین قلمروی ملی به حساب آمد.

سازش یا همزیستی: حل و فصل کشمکش دینی

در ۱۹۸۰، پارلمان رژیم اشغالگر قدس مقرر کرد که «اورشلیم، با کلیه بخش‌های به هم پیوسته آن، پایتخت فلسطین اشغالی است.» در همان زمان، در واکنش به جنبش صهیونیستی فوق، ملی‌گرایی در میان فلسطینیان اوج گرفت و یکی از اهداف اصلی‌اش را اعلام اورشلیم به‌عنوان پایتخت دولت فلسطینی آتی تعیین نمود. امت اسلام، اجتماع مسلمانان سراسر جهان، تأکید می‌کرد که حرم غیر قابل انتقال است. کوه هیکل یا حرم: امروز این محل نزد مؤمنان و بسیاری از افراد غیر مذهبی قداست مضاعفی یافته است و گهگاه مورد سوءاستفاده هر دو جریان ملی‌گرا واقع می‌شود، آیا سرانجام یک طرف همه چیز را به دست خواهد آورد و طرف دیگر می‌پذیرد که همه چیز را از دست دهد؟ آیا دو طرف می‌توانند این لایه‌های سنگی و درهم تنیده تاریخی را که در عواطفی چین پر شور غرق شده است، میان خود تقسیم کنند؟ شیمن پرز که در مقام وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی یکی از معماران پیمان‌های اسلو بود، مدام خاطر نشان می‌کند که کشمکش‌های سیاسی را می‌توان با سازش حل و فصل کرد، اما کشمکش‌های دینی فقط از راه همزیستی فرونشاندن می‌شود.

هنوز هم به چشم می‌خورند، بر بلندای حرم و تقریباً کل شهر و حومه آن خودنمایی می‌کند. مسجد الاقصی چندین بار بازسازی شد.

صلیبیون (۱۱۸۷-۱۰۹۹) کل این صحن را تصرف نمودند اما تغییری دائمی در آن ایجاد نکردند. وقتی صلاح‌الدین بیت‌المقدس را از آنان باز پس گرفت، کلیه نشانه‌های حضور آنان را زدود و عمارت را به وضعیت پیشین بازگرداند. در روزگار سلسله او یعنی ایوبیان و مخصوصاً در دوران ممالیک از قرن سیزدهم تا ابتدای قرن شانزدهم بود که حرم به صورت امروزی خود درآمد. آنها تعداد مساجد را افزایش دادند و مدارس علمیه، کتابخانه‌ها و استراحتگاه‌ها و مهمانخانه‌هایی برای زائران ساختند. حالا حرم هم عمارات دینی و هم ابنیه غیر دینی را در خود جای می‌داد که از لبه دیوارها پیش آمده بودند.

در قرآن هیچ اشاره صریحی به بیت‌المقدس به‌عنوان مکانی مقدس نشده است. در ابتدا مسلمانان در هنگام نماز به سوی همین شهر می‌ایستادند، اما درست از همان آغاز، مسجدی که در قرآن «مسجدالاقصی» نامیده می‌شود و محل عزیمت پیامبر پس از سفر آسمانی وی از مکه بود، با اماکن مقدسی مرتبط شد که در اورشلیم در حالی شکل‌گیری بودند.

پس احتمالاً از قرن هشتم، روایات این سفر اسرارآمیز و معراج محمد [ص] ادغام شدند و رابطه‌ای عاطفی، فکری، دینی و شخصی بسیار نیرومندی میان قدس («مقدس»)، نام عربی اورشلیم، و مسلمانان به وجود آمد.

۳۰۰۰ سال تخریب، بازسازی و مرمت

این شهر، پس از مکه و مدینه در عربستان سعودی به سومین شهر مقدس اسلام و یک مکان زیارتی بسیار مهم تبدیل شد. برخی مسلمانان عقیده دارند که کعبه، ساختمانی که در مرکز مسجدی در مکه قرار دارد و در برگیرنده حجرالاسود منسوب به ابراهیم است، در آخرالزمان جابه‌جا خواهد شد و در مجاورت قبه الصخره قرار می‌گیرد. در آنجا، تمام مسلمانان در روز جزا در محضر خداوند خواهند بود.

حرم، کوه هیکل، از ۳۰۰۰ سال پیش تاکنون شاهد ساختن، تخریب، بازسازی و مرمتی پایان‌ناپذیر بوده است. شاید سنگ‌های یکسانی در اماکن یکسان برای ساختن معابد خدایان کافران و معبد یگانه خدای سه دین توحیدی جهان به کار رفته باشد.

در خلال قرن‌های متمادی، حاکمان مختلف این شهر که هم دیندار و هم بی‌دین بودند، کلیه آثار به جا مانده از پیشینیان شکست خورده خود را می‌زدودند و با ساخت بناهای یا شکوه جدید، قدرت خود را در صحنی به نمایش می‌گذاشتند که بر تمام شهر مشرف بود.

این اورشلیم، که یهودیان سرگردان هويت خویش را حول آن شکل دادند، شهری آسمانی